

مسائل نفت ایران

مؤلف:

دکتر سعید میرترابی

نشر قومس

سرشناسه	: میرترابی، سعید، ۱۳۵۱-
عنوان و پدیدآور	: مسائل نفت ایران / مولف سعید میرترابی
مشخصات نشر	: تهران: قومس، ۱۳۸۵.
مشخصات ظاهری	: ح ۲۹۸ ص: مصور، جدول، نقشه، نمودار
شابک	: ۹۶۴-۵۵۱۶-۱۳-۷
وضعیت فهرست نویسی	: فیبا
یادداشت	: پشت جلد به انگلیسی: Saced Mirtorabi. Iran's oil issue
یادداشت	: چاپ دوم
یادداشت	: چاپ سوم: ۱۳۸۷ (فیبا).
یادداشت	: کتابنامه: ص. [۲۸۵] - ۲۹۲.
یادداشت	: نمایه
یادداشت	: نفت -- ایران -- تاریخ.
یادداشت	: نفت -- ایران -- صنعت و تجارت -- جنبه‌های سیاسی.
یادداشت	: نفت -- ایران -- صنعت و تجارت -- ملی شدن.
یادداشت	: نفت -- صنعت و تجارت -- جنبه‌های سیاسی.
رده بندی کنگره	: ۸۷ م ۹۲ الف / HD ۹۵۷۶
رده بندی دیویی	: ۳۳۸/۲۷۲۸۲۰۹۵۵
شماره کتابخانه ملی	: ۸۴ - ۲۵۶۹۵ م

شابک: ۹۶۴-۵۵۱۶-۱۳-۷

ISBN: 964-5516-13-7

● نام کتاب	: مسائل نفت در ایران
● مؤلف	: دکتر سعید میرترابی
● آماده‌سازی	: اخ. مقدم
● حروف‌نگار	: رضا علی‌یاری
● تیراژ	: ۲۰۰۰ جلد
● نویت چاپ	: چهارم ۱۳۸۷
● چاپ	: ایران مصور
● صحافی	: شکیب
● ناشر	: نشر قومس - تهران میدان انقلاب، اول خیابان آزادی، بعداز جمالزاده، خیابان والعصر، تقاطع فرصت، شماره ۱۰۴ تلفن و نمابر ۶۶۹۳۲۷۹۷ صندوق پستی ۱۳۱۴۵-۱۳۹۱ نشانی اینترنتی نشر قومس: www.ghoomes-pub.com

کلیه حقوق چاپ و نشر برای ناشر محفوظ است
قیمت ۴۸۰۰۰ ریال

۱	● پیش درآمد
۹	● فصل اول: کلیات و اصطلاحات مربوط به نفت
۹	مقدمه
۹	ماهیت نفت خام
۱۱	گذشته تاریخی نفت در ایران
۱۲	پایه گذاری صنعت نفت
۱۵	اهمیت نفت در دنیای امروز
۱۷	نفت و جنگ
۱۹	واژه ها و اصطلاحات دنیای نفت
۲۳	ذخایر نفت و گاز جهان
۲۴	دیدگاه های مختلف درباره ذخایر نفت جهان
۲۸	ذخایر راهبردی نفت
۲۹	قراردادهای نفتی
۳۳	ضمیمه فصل یک
۳۷	پی نوشت های فصل اول
۳۹	● فصل دوم: تاریخ نفت ایران
۳۹	مقدمه
۴۱	بخش اول: امتیازات نفتی در ایران قبل از ملی شدن صنعت نفت
۴۲	امتیازات رویتز و هوتس
۴۲	امتیاز دارسی
۴۴	مقادیر امتیاز دارسی
۴۵	اجرای امتیاز دارسی
۴۹	سهیم شدن دولت انگلیس در شرکت صاحب امتیاز
۴۹	قرارداد آرمیتاژ اسمیت
۵۱	امتیاز خوشناریا
۵۳	اوج گیری فعالیت شرکت نفت جنوب
۵۴	زمینه های قرارداد ۱۹۳۳
۵۶	قرارداد ۱۹۳۳ و ارزیابی آن
۵۸	تلاش دوباره شرکت های آمریکایی برای حضور در ایران
۶۰	سیاست موازنه منفی
۶۰	موافقت نامه قوام - سادجیکوف
۶۵	بخش دوم: ملی شدن نفت تا انقلاب
۶۶	شرکت نفت جنوب در دوره پس از جنگ
۶۷	قرارداد الحاقی گس - گلشانیان
۶۸	اوج گیری نهضت ملی شدن صنعت نفت
۶۹	نفت ایران ملی می شود
۷۰	تصویب قانون اجرای ملی شدن صنعت نفت

۷۲	واکنش‌ها نسبت به ملی شدن صنعت نفت ایران
۷۲	مذاکرات برای حل اختلافات
۷۴	پیشنهاد بانک بین‌المللی ترمیم و توسعه
۷۵	پیشنهاد مشترک آمریکا و انگلیس
۷۸	شرایط بازار نفت در دوره قبل و بعد از کودتا
۷۹	قرارداد کنسرسیوم
۸۱	تحول در شرایط بازار جهانی نفت
۸۲	امضای قراردادهای مشارکت و شکسته شدن اصل تنصیف
۸۳	تجدید نظر در قرارداد کنسرسیوم
۸۵	امضای قراردادهای خرید خدمت
۸۶	افزایش تولید نفت ایران در سالهای پس از کودتا
۸۷	بخش سوم: نفت ایران در دوره پس از انقلاب
۸۷	تغییر نگرش نسبت به بخش نفت
۸۸	کاهش تولید و تثبیت درآمد
۸۹	جنگ و بخش نفت ایران
۹۱	سیاست‌های جدید بازاریابی نفت ایران
۹۳	رکورد بازار و تغییر سیاستهای نفتی ایران
۹۵	سرمایه‌گذاری در بخش نفت
۹۸	محدودیت‌های سرمایه‌گذاری
۹۸	محدودیت‌های قانونی
۱۰۰	افزایش ریسک سرمایه‌گذاری
۱۰۲	امضای قراردادهای بیع متقابل
۱۰۵	بی‌نوشته‌های فصل دوم

● فصل سوم: شناخت مسائل داخلی نفت ایران

۱۰۹	مقدمه
۱۰۹	بخش اول: رانت، رانتیرسم و دولت رانتیر نفتی
۱۱۱	رویکرد اقتصاد سیاسی و دولت رانتیر
۱۱۲	مفهوم رانت
۱۱۳	سیر تحول مفهوم رانت
۱۱۴	دولت رانتیر
۱۱۵	رانتیرسم و رانت جویی
۱۱۶	پیامد رانتیرسم بر ساخت دولت
۱۱۸	پیامد رانتیرسم بر روابط دولت و جامعه
۱۲۰	پیامد رانتیرسم بر اقتصاد
۱۲۳	بخش دوم: دولت رانتیر نفتی در ایران
۱۲۳	ظهور دولت رانتیر در ایران
۱۲۵	کاهش درآمدهای مالیاتی دولت
۱۲۶	عوارض رانتیرسم در ایران
۱۲۷	اقتصاد ایران در یک نگاه
۱۲۹	شدت انرژی در ایران
۱۳۲	مصرف بی‌رویه سوخت

۱۳۴	افول دولتهای رانتیر نفتی
۱۳۶	افول رانتیریسیم نفتی در ایران
۱۳۸	راه کارهای خروج از رانتیریسیم
۱۴۰	تجربه نروژ
۱۴۲	مال مردم، برای مردم
۱۴۳	نتیجه گیری
۱۴۴	پی نوشتهای فصل سوم

● فصل چهارم: ساختارها و روندهای بازار جهانی نفت

۱۴۷	مقدمه
۱۴۷	تحولات ساختاری صنعت نفت جهان
۱۴۹	بخش اول: دوره های زمانی تحول صنعت نفت جهان
۱۴۹	دوره تسلط شرکتهای بزرگ نفتی
۱۵۱	دوره تسلط بازیگران دولتی بر بازار نفت
۱۵۳	دوره سوم: بازگشت بازیگران غیردولتی
۱۵۴	الگوهای تغییرات ساختاری صنعت نفت جهان
۱۵۵	فراملی شدن در مقابل بین المللی شدن
۱۵۶	منطق تحولات صنعت نفت از دهه ۸۰ تا کنون
۱۶۱	بخش دوم: بررسی روندهای حاکم بر بازار نفت جهان
۱۶۲	تقاضا برای منابع مختلف انرژی
۱۶۳	ذخایر نفتی جهان
۱۶۵	تولید
۱۶۹	صادرات
۱۷۱	مصرف
۱۷۴	روندهای بازار گاز طبیعی
۱۷۷	سرمایه گذاری در بخش نفت و گاز
۱۷۹	نتیجه گیری
۱۸۲	پی نوشتهای فصل چهارم

● فصل پنجم: بازیگران مهم بازار جهانی نفت

۱۸۵	مقدمه
۱۸۵	بخش اول: بازیگران دولتی عرصه نفت جهان
۱۸۷	آمریکا
۱۸۷	استراتژیهای نفتی آمریکا
۱۸۸	عربستان
۱۹۴	استراتژی نفتی عربستان
۱۹۶	روسیه
۲۰۰	استراتژی نفتی روسیه
۲۰۲	چین
۲۰۴	استراتژی نفتی چین
۲۰۵	بخش دوم: بازیگران فرادولتی و فراملی عرصه نفت جهان
۲۰۹	سازمان اوپک
۲۰۹	

۲۱۰	شکل‌گیری اوپک
۲۱۲	دوره‌های عملکرد اوپک
۲۱۷	ارزیابی عملکرد اوپک
۲۱۸	آژانس بین‌المللی انرژی
۲۲۰	عملکرد آژانس بین‌المللی انرژی
۲۲۲	ارزیابی عملکرد آژانس
۲۲۴	شرکتهای چندملیتی نفتی
۲۲۵	هفت‌خواهران نفتی
۲۳۰	ارزیابی عملکرد شرکتهای چندملیتی نفتی
۲۳۲	بورس‌های معاملات نفت
۲۳۲	معاملات نفتی در سیر تحول تاریخی
۲۳۳	عملکرد بورسهای نفتی
۲۳۵	ارزیابی عملکرد بورسهای نفتی
۲۳۶	نتیجه‌گیری
۲۳۸	پی‌نوشت‌های فصل پنجم

● فصل ششم: بررسی جایگاه ایران در بازار جهانی نفت

مقدمه

بخش اول: جایگاه ایران در بازار نفت جهان

ذخایر نفت و گاز ایران

تولید و صادرات

مصرف

سرمایه‌گذاری

وضعیت مخازن نفت و گاز

ظرفیت ترانزیت انرژی

اهداف و سیاستهای بخش نفت و گاز کشور

صنایع نفت و گاز در چشم‌انداز ۱۴۰۴

اهداف بخش انرژی در سند چشم‌انداز ۱۴۰۴

صنعت نفت و گاز در برنامه‌های توسعه

جایگاه ایران در بازار جهانی نفت

بخش دوم: توازن میان درون‌نگری و برون‌نگری در بخش نفت

درون‌نگری در عرصه‌های تولید و مصرف نفت و گاز

برون‌نگری در زمینه دیپلماسی نفتی و جذب سرمایه

نتیجه‌گیری

پی‌نوشت‌های فصل ششم

● فهرست منابع

● نمایه

پیش درآمد

اهمیت نفت در دنیای امروز بر هیچ کس پوشیده نیست. نفت و فرآورده‌های آن، امروزه بیش از ۶۵ درصد احتیاجات دنیای صنعتی به مصارف انرژی را تامین می‌کنند. این میزان برای کشورهای نفت خیزی همچون ایران، به حدود ۹۷ درصد بالغ می‌شود. نفت، علاوه بر اینکه منبع عمده تامین انرژی در دنیای امروز است، نقش مهمی نیز در تعیین میزان قدرت ملی و اعتبار بین‌المللی کشورهای مختلف ایفا می‌کند. به همین علت است که قدرتهای بزرگ جهانی، از بدو پایه‌گذاری صنعت نوین نفت، همواره با بهره‌گیری از ابزارهای مختلف، تلاش کرده‌اند ذخایر نفت و سازوکار مبادله آن را در بازار جهانی تحت کنترل خود قرار دهند و یا دستکم بر آن تاثیر بگذارند. منابع عظیم فسیلی در کشورهای نفت خیز، زمینه بالقوه عمده‌ای را برای ارتقای قدرت و اعتبار ملی این‌گونه کشورها فراهم آورده است اما چنانکه ملاحظه خواهیم کرد تعداد اندکی از کشورهای نفت‌خیز جهان در تبدیل منابع فسیلی زیرزمینی خود به عاملی برای ارتقای قدرت ملی و اعتبار بین‌المللی توفیق یافته‌اند. متأسفانه ایران نیز از جمله کشورهای نفت خیزی به شمار می‌رود که با وجود تلاشها و مبارزات بسیار، هنوز موفق به پایه‌ریزی و اجرای یک استراتژی موفق در این زمینه نشده است.

مفروضی که در این کتاب مطرح است این است که نفت در طول حدود یکصد سالی که از پایه‌گذاری صنعت آن در ایران می‌گذرد، با حیات اقتصادی و سیاسی ایرانیان گره خورده است و مسیر توسعه کشور و ارتقای قدرت ملی ایران نیز، از درون این بخش می‌گذرد. به عبارت دیگر با توجه به ظرفیتهای عظیم ایران در بخش انرژی و وجود منابع عظیم نفت و گاز در کشور، یکی از شروط و زمینه‌های توسعه کشور، ارتقای جایگاه ایران در بازار جهانی نفت است. مفروض عمده دیگری که مدنظر نویسنده قرار داشته، این است که اساسا پیوندی عمیق میان مسائل داخلی نفت ایران و ابعاد منطقه‌ای و بین‌المللی منابع انرژی فسیلی و ظرفیتهای انتقال و مبادله انرژی در کشور وجود دارد. بر این اساس، فرضا شیوه تولید و مصرف منابع انرژی در کشور و یا شیوه هزینه کردن درآمدهای حاصل از صدور نفت، ارتباطی عمیق با ظرفیت عرضه نفت ایران به بازار

انرژی جهان و تعیین سیاستهای مربوط به آن دارد. به همین علت است که در بحث از مسائل نفت ایران، هم ابعاد داخلی و هم ابعاد بین‌المللی منابع نفت و گاز کشور باید به طور همزمان مورد توجه قرار گیرد.

یکی از پرسشهای عمده ای که در این کتاب پاسخ آن جستجو می‌شود، این است که عوامل و زمینه‌های ارتقای جایگاه ایران در بازار جهانی نفت کدامند؟ پاسخی که به این پرسش داده شده این است که «ارتقای جایگاه ایران در بازار جهانی نفت، به تغییر توازن موجود میان درون‌نگری و برون‌نگری در سیاست‌گذاری و اداره بخش نفت در کشور بستگی دارد. بدین ترتیب که برای ارتقای موقعیت ایران، تقویت درون‌نگری در امر تولید و مصرف نفت و گاز، و تقویت برون‌نگری در امر جذب سرمایه‌های خارجی و تحرک دیپلماسی نفتی کشور ضروری است.»

مقصود از درون‌نگری در سیاستهای تولید و مصرف نفت و گاز این است که سیاستهای مربوط به این عرصه‌ها، باید با توجه به مجموعه شرایط، نیازها و امکانات داخلی ایران و نه با تاثیرپذیری از عوامل خارجی بازار، تدوین و به اجرا گذاشته شود. مقصود از برون‌نگری در سیاست‌گذاری برای جذب سرمایه‌های خارجی و تحرک دیپلماسی نفتی نیز این است که در این دو عرصه باید به شناخت بهتری از مجموعه شرایط بازار انرژی دست یابیم و سیاستهای خود را نیز بر همان اساس پایه‌ریزی کنیم.

در این کتاب، سئوالات و پرسشهای متعدد دیگری نیز مطرح می‌شود که عموماً سعی شده است در خلال بحثهای مربوط به موضوع اصلی، پاسخ آنها جستجو شود. بدین ترتیب سئوالاتی از این قبیل را می‌توان در ارتباط با پرسش اصلی کتاب مطرح کرد: مسائل و ویژگیهای داخلی نفت ایران چه آثار و پیامدهایی بر جایگاه ایران در بازار جهانی نفت دارد؟ بازار جهانی نفت اساساً چگونه ساختاری دارد؟ آیا ساختار بازار و صنعت نفت جهان و نیروهای عمده تاثیر گذار در آن، در طول زمان دچار تحول شده‌اند؟ ویژگیهای ساختار کنونی بازار نفت جهان کدامند؟ روندهای عرضه و تقاضا در بازار به کدام سو در حال تحول است؟ بازیگران قدرتمند بازار جهانی نفت کدامند و استراتژیهای آنها برای تاثیرگذاری بر روند تحولات بازار چیست؟ در حال حاضر، ایران در مقایسه با بازیگران بزرگ بازار انرژی، از چه جایگاهی برخوردار است؟ ارتقای جایگاه ایران در بازار انرژی به چه معناست و منافع ملی ایران در بخش نفت و گاز چگونه باید تعریف شود؟ و بالاخره اینکه چگونه می‌توان جایگاه کشورمان را در بازار جهانی نفت ارتقا

بخشید؟

این کتاب از شش فصل تشکیل شده است. فصل اول به بررسی برخی مفاهیم و مسائل اساسی مربوط به صنعت نفت می‌پردازد. هدف این فصل این است که تصویری از مسائل کلی صنعت نفت همچون ماهیت نفت خام و فرآورده‌های آن، شیوه تولید این مواد، چگونگی پایه‌گذاری صنعت نفت در جهان و وضعیت کنونی ذخایر و تولید نفت در جهان و چشم‌انداز آینده آن بدست دهد. این فصل همچنین به تشریح برخی واژه‌ها و اصطلاحات رایج در صنعت و بازار نفت جهان می‌پردازد تا مخاطب زمینه مناسب‌تری برای مطالعه مسائل نفت در فصول بعد پیدا کند.

فصل دوم به بررسی اجمالی تاریخ نفت ایران اختصاص دارد. اساساً شناخت وضعیت ایران در هنگام پایه‌گذاری صنعت نفت در کشور، کلید فهم بسیاری از رویدادها و حوادثی است که در سالهای بعد در بخش نفت ایران به وقوع پیوسته و عرصه‌های مختلف جامعه ایران را تحت تأثیر قرار داده است. این فصل به سه بخش تقسیم شده است. در بخش نخست، مسائل نفت ایران، از زمان اعطای نخستین امتیازات نفتی به بیگانگان تا اوج‌گیری جنبش ملی شدن صنعت نفت بررسی می‌شود. بخش دوم دوره زمانی مربوط به جنبش ملی شدن نفت ایران تا زمان پیروزی انقلاب در سال ۵۷ را در برمی‌گیرد. بخش سوم نیز مسائل و تحولات بخش نفت ایران را در دوره پس از انقلاب، مورد مطالعه قرار می‌دهد. در تقسیم‌بندی این فصل، هم دوره‌های مختلف زمانی مربوط به تحولات نفتی کشور از یکدیگر تفکیک شده‌اند و هم، چنان که نشان داده خواهد شد در هر دوره، تغییراتی در بازیگران داخلی و خارجی صنعت نفت ایران رخ داده و به واسطه آن، تحولات نفتی کشور در هر دوره سمت و سوی خاصی پیدا کرده است.

فصل سوم به بررسی ویژگی‌ها و مسائل عمده داخلی نفت ایران، فراتر از بعد تاریخی تحولات این بخش می‌پردازد. در این فصل مشخص خواهد شد که مسائل نفت ایران را می‌توان در چارچوب مفاهیمی همچون «رانتیرسم» و «دولت رانتیر نفتی» به شکلی عمیق مورد بررسی قرار داد. این فصل نشان می‌دهد که ساختار رانتیرسم چگونه در ایران پدید آمد و به چه صورت عرصه‌های زندگی سیاسی، اقتصادی و اجتماعی ایرانیان را تحت تأثیر قرار داد. مباحث این فصل، همچنین، چگونگی ارتباط ابعاد داخلی مسائل نفت ایران را با ابعاد منطقه‌ای و بین‌المللی حضور ایران در بازار جهانی انرژی، نشان می‌دهد. به عبارت دیگر، در این فصل مشخص می‌شود

رانتیرسم نفتی، علاوه بر آثار و پیامدهای عمیق داخلی، چگونه می‌تواند بر جایگاه ایران در بازار جهانی انرژی تأثیر بگذارد. این فصل از دو بخش تشکیل شده است. بخش نخست به طرح مباحث نظری درباره مفاهیم «رانت»، «رانتیرسم»، «دولت رانتیر نفتی» و... می‌پردازد و پیامدهای ظهور ساختارهای رانتیر را در جامعه ایران بررسی می‌کند. بخش دوم به مطالعه موردی در باره ایران به عنوان کشوری که به مدت چهار دهه، ساختارهای رانتیر را تجربه کرده است، اختصاص یافته است. در این بخش، پیامدهای ساختارهای رانتیرسم در ایران، عمدتاً با توجه به بخش نفت در کشور تشریح می‌شود.

فصل چهارم، به بررسی ساختار بازار و صنعت نفت جهان اختصاص دارد. این فصل نشان می‌دهد که بازار جهانی نفت، واجد ساختارهایی است که در طول زمان دچار تحول شده و ساختار کنونی این بازار، به واسطه تحولات عمیقی که از دهه ۱۹۸۰ آغاز شد، شکل گرفته است. طبیعی است که برای بررسی جایگاه ایران در بازار جهانی نفت، شناخت ویژگیهای ساختاری این بازار و نیروهای تأثیرگذار در آن، ضروری است. این فصل، علاوه بر بررسی ساختارهای بازار جهانی نفت، روندهای حاکم بر بازار و سمت و سوی جریانهای عرضه، تقاضا و سرمایه‌گذاریهای نفتی را نیز بررسی می‌کند. فصل چهارم به دو بخش تقسیم شده است. بخش نخست به مطالعه سیر تحولات ساختاری بازار نفت جهان مربوط است که طی آن تصویری از اقتصاد سیاسی نفت از ابتدای قرن بیستم تا به حال ترسیم می‌شود. بخش دوم نیز روندهای کنونی حاکم بر بازار و سمت و سوی آینده جریانهای عرضه و تقاضا در بازار جهانی انرژی را بررسی می‌کند.

فصل پنجم، مطالعه بازیگران عمده بازار انرژی جهان را مورد توجه قرار داده است. ورود به بازار انرژی جهان و تلاش برای ارتقای جایگاه کشور در این بازار، علاوه بر شناخت ساختارها و روندهای حاکم بر بازار، مستلزم درک منافع و استراتژیهای بازیگران بزرگی است که در شکل دادن به تحولات بازار، نقش عمده‌ای ایفا می‌کنند. این فصل نشان می‌دهد که بازار جهانی نفت، اساساً خصیصاتی نامتوازن دارد. به این معنا که بازیگران این بازار، توان بسیار متفاوتی در کنترل تحولات آن دارند. در واقع، بازار جهانی نفت، عمدتاً تحت تأثیر منافع و استراتژیهای معدودی از بازیگران بزرگ است. این بازیگران بزرگ را هم می‌توان در چارچوب دولتهای ملی و هم در چارچوب سازمانهای فرادولتی و نهادهای فراملی مشاهده کرد. این فصل نیز از دو بخش تشکیل شده است. بخش نخست به بررسی بازیگران دولتی بازار جهانی نفت اختصاص دارد. این بخش

جایگاه کشورهای آمریکا، عربستان، روسیه و چین را در شکل دادن به تحولات بازار جهانی نفت بررسی می‌کند. بخش دوم نیز به بررسی عملکرد نهادهای فرادولتی و فراملی در بازار جهانی انرژی مربوط می‌شود. در این بخش نهادهای فرادولتی شامل اوپک و آژانس بین‌المللی انرژی و نهادهای فراملی شامل شرکتهای چندملیتی نفتی و بازارهای بورس مبادلات نفت از نظر تاثیرگذاری بر تحولات بازار مورد بررسی قرار می‌گیرند.

فصل ششم کتاب نیز به پرسش اصلی مطرح شده باز می‌گردد. در این فصل با توجه به مجموعه مطالبی که در فصول قبل درباره ماهیت بازار جهانی انرژی، ساختارها و روندهای بازار و بازیگران عمده آن مطرح شد، ابتدا تصویری از جایگاه کنونی ایران در این بازار ترسیم می‌شود. بدین ترتیب مشخص می‌گردد که شرایط بازار جهانی نفت با توجه به عوامل ذکر شده در بالا و همچنین ساختارهای رانتیرسم نفتی در داخل کشور، تا چه اندازه در تعیین وضعیت کنونی ایران در بازار نقش ایفا کرده‌اند. این فصل برای تعیین دقیق جایگاه ایران در بازار جهانی نفت، سیاستهای اجرا شده در بخش نفت و اهداف و سیاستهای تعیین شده برای این بخش را مورد توجه قرار می‌دهد و در نهایت به این نتیجه می‌رسد که ایران، اساساً بازیگری میان پایه در بازار انرژی جهان است و این وضعیت نیز در آینده ادامه خواهد یافت. بخش دوم این فصل نیز، با ارائه مثالهای عملی از سیاستها و عملکردهای موجود در بخش نفت و گاز کشور، مساله توازن میان درون‌گرایی و برون‌گرایی را در این سیاستها مورد بررسی قرار دهد. در این بخش مشخص می‌شود که الگوی مطرح شده در این خصوص، چگونه می‌تواند منافع ملی ایران را در بخش نفت و گاز تامین کند و در عین حال موقعیت کشور را در بازار انرژی جهان ارتقا بخشد.

نویسنده کتاب تلاش داشته است ضمن توجه به پرسش اصلی مطرح شده در کتاب، مطالب هر بحث را به گونه‌ای انتخاب کند که بتواند نیازهای مربوط به درس «مسائل سیاسی و اقتصادی نفت ایران» را در رشته علوم سیاسی پوشش دهد. نگارنده این سطور، به مدت چند ترم این درس را تدریس و در این مدت احساس کرده است که منبع درسی واحدی که بتواند، نیازهای دانشجویان را در این درس پاسخ دهد، وجود ندارد. یکی از مشکلاتی که در خصوص منابع موجود در درس مسائل سیاسی و اقتصادی نفت ایران به چشم می‌خورد، این است که بخش اعظم مطالب مطرح در این منابع، (گاه تا ۹۰ درصد) جنبه تاریخی دارد. هر چند آشنایی دانشجویان با تاریخ مسائل نفت کشور، خالی از فایده نیست، با این حال به نظر می‌رسد محدود

کردن چنین درسی به بررسی رویدادها و تحولات تاریخی در بخش نفت، حتی با عنوان درس نیز سازگاری ندارد.

از سوی دیگر، با وجود تعدد منابع موجود در زمینه مسائل نفت در بازار، این منابع برای بهره‌گیری آموزشی در کلاس از سه مشکل عمده رنج می‌برند. یکی اینکه، منابع کتابی موجود یا صرفاً به شرح رویدادهای نفتی ایران و جهان پرداخته‌اند و یا اینکه عمدتاً به لحاظ موضوعی محدود هستند. فرضاً برخی منابع، صرفاً به بررسی سازمان اوپک پرداخته‌اند و یا تنها مسائل مربوط به سرمایه‌گذاری در بخش نفت را مورد توجه قرار داده‌اند. مشکل دیگری که در این میان به چشم می‌خورد، این است منابع موجود در زمینه مسائل نفت، از نظر جنبه‌های تحلیلی مربوط به مسائل نفت ایران و جهان، عمدتاً دچار ضعف هستند. بدین معنا که دانشجویان با مطالعه آنها قادر نیستند به شناختی همراه با توانایی تحلیل مسائل نفت دست پیدا کنند. مشکل دیگری که در ارتباط با این منابع به چشم می‌خورد این است که بخش اعظم کتابهای مربوط به مسائل نفت در بازار، قدیمی هستند و اثری از تحولات و مسائل جدید نفتی در آنها به چشم نمی‌خورد.

البته مطالبی که در بالا مطرح شد، مشکلات منابع مربوط به مباحث نفت را از بعد استفاده از این منابع برای تدریس درس «مسائل سیاسی و اقتصادی نفت ایران» مطرح می‌کند و طرح این مشکلات به هیچ وجه به معنای زیرسؤال بردن وجه علمی این منابع نیست. گو اینکه هر یک از این منابع به نوبه خود، بخشی از نیازهای مطالعاتی و پژوهشی مربوط به مسائل نفت را برآورده می‌کنند. در هر حال، هدف از توضیحات بالا این است که گفته شود، که یکی از اهداف عمده تألیف کتاب حاضر، تهیه منبعی درسی برای درس مسائل نفت ایران است که اشکالات مطرح شده در بالا را تا حد امکان مرتفع کند.

نویسنده این سطور، در طول چند ترم تدریس درس مسائل سیاسی و اقتصادی نفت ایران و در مواجهه با سؤالات و علایق دانشجویان، به این نتیجه رسیده که بهتر است در این درس، در کنار بررسی تحولات و رویدادهای تاریخی مربوط به مسائل نفت کشور، تصویری کلی از شرایط و ساختارهای بازار جهانی نفت و بازیگران عمده بازار برای آنها ترسیم شود تا دانشجو به شناخت بهتری از مسائل نفت دست یابد و بتواند میان تحولات بازار و مسائل داخلی نفت ایران ارتباط برقرار کند. البته چنین کاری، مستلزم آن است که مطالب مطرح، از صرف تشریح رویدادها و تحولات نفتی ایران و جهان، فراتر رود و برخی مسائل فنی مربوط به صنعت نفت را نیز در

برگیرد. در واقع، شناخت دقیق مسائل سیاسی و اقتصادی نفت کشور، بدون آشنایی با برخی مسائل فنی اساسی در صنعت نفت، امکان‌پذیر نیست. به همین علت بخشی از مطالب ابتدایی این کتاب به تشریح مسائل اساسی صنعت نفت و توضیح اصطلاحات و مفاهیم رایج در ادبیات نفتی اختصاص پیدا کرده است تا هم شناخت دقیق‌تری از مسائل نفت به مخاطب ارائه کند و هم افراد علاقمند برای مطالعات بیشتر را، در بهره‌گیری از منابع دیگر مربوط به نفت، یاری دهد.

باید توجه داشت که حدود یک قرن از پایه‌گذاری صنعت نفت در کشور می‌گذرد و دستکم در خلال چهار دهه اخیر حیات سیاسی و اقتصادی ایرانیان به نفت گره خورده است. بنابراین، آشنایی کلی دانشجویان با برخی مسائل اساسی و فنی صنعت نفت در چنین کشوری، ضروری به نظر می‌رسد. بدیهی است، نقایص مربوط به این اثر بر عهده نویسنده است.

در اینجا لازم است از حسن نظر و همکاری جناب آقای دکتر همایون الهی در خصوص انتشار این کتاب سپاسگزاری کنم. همچنین بر خود لازم می‌دانم از آقایان مهدی عباسی و احمد خدابخش مقدم که در هنگام انتشار کتاب با اینجانب صمیمانه همکاری کردند، قدردانی کنم. در ضمن در تهیه منابع کتاب، از همکاری کتابخانه وزارت نفت و روابط عمومی این وزارتخانه بهره‌های فراوانی گرفتم و لازم است از مساعی مسئولان و کارکنان این دو نهاد نیز تشکر کنم.

سعید میرترابی